




Iran and the New World Order; Challenges and opportunities

Seyed Jalal Dehghani Firooz Abadi

Professor of International Relations, International Relations Department, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.


Email: dehghani@atu.ac.ir

 0000-0003-1055-531X

Reza Zabihi

Corresponding Author, Assistant Professor of International Relations, Iranology Foundation, Tehran, Iran.

Email: r.zabihi@iranology.ir

 0009-0005-8903-442X

Abstract

The passing of the bipolar order in the Cold War and the passing of the transition period in the international system, which was accompanied by the effort of the United States of America to establish a unipolar order, now promises a new era which will outline the conditions of the world order in the near future. In this situation, Iran, as one of the key players in West Asia, needs a strategic and comprehensive plan to face this new order. Therefore, according to the set of developments and challenges and opportunities ahead, the basic question is raised that what should be the proper solution for Iran in order to face the new world order and what elements should it have? The temporary answer to this question is as follows: A suitable solution and strategic plan for Iran in facing the new world order should be a multifaceted, interactive, balanced plan with the possibility of using different opportunities and capacities in the East and West, and especially in its own region. For example, focus on the military and security field with the East, on the technological field with the West, and on creating an economic and security block with the region. The need for all or part of the proposed strategies to be bolder in this direction depends on the conditions of occurrence and realization of the mentioned order. However, it is necessary to activate all the necessary capacities based on the proposed strategic plan. The approach of this research is descriptive-analytical, its method is qualitative and the method of collecting information is library.


Keywords: Iran, International Order, New World Order, United States of America, China.



ایران و نظم نوین جهانی؛ چالش‌ها و فرصت‌ها


سیدجلال دهقانی فیروزآبادی

استاد روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
Email: dehghani@atu.ac.ir

 0000-0003-1055-531X

رضا ذبیحی

نویسنده مسئول، استادیار روابط بین‌الملل، گروه مطالعات جغرافیای ایران، بنیاد ایران‌شناسی، تهران، ایران.
Email: r.zabihi@iranology.ir

 0009-0005-8903-442X

چکیده

گذار از نظم دو قطبی در جنگ سرد و طی شدن دوران گذار در نظام بین‌الملل که همراه با تلاش ایالات متحده آمریکا به‌منظور پی افکندن نظم تک قطبی بود، اکنون نوید دوران جدیدی را می‌دهد که در آینده‌ای نزدیک شرایط نظم جهانی نوینی را ترسیم خواهد کرد. در این شرایط ایران به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی در غرب آسیا، نیازمند یک طرح راهبردی و جامع در مواجهه با این نظم نوین است. بنابراین با توجه به مجموعه این تحولات و چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی، این پرسش اساسی مطرح می‌گردد که راهکار مناسب برای ایران به‌منظور مواجهه با نظم نوین جهانی باید چه ویژگی‌هایی داشته و برخوردار از چه عناصری باشد؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که راهکار و طرح راهبردی مناسب برای ایران در مواجهه با نظم نوین جهانی باید یک طرح تعامل‌گرای تعادل‌گرای چندوجهی با امکان استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌های مختلف در شرق و غرب و به‌ویژه در منطقه خود باشد. به‌عنوان نمونه در زمینه نظامی و امنیتی با شرق، در زمینه تکنولوژیک با غرب و در زمینه ایجاد بلوک اقتصادی و امنیتی با منطقه تمرکز نماید. اینکه نیاز است تمامی و یا بخشی از راهبردهای پیشنهادی در این مسیر پررنگ‌تر باشد، بستگی به شرایط وقوع و تحقق نظم مزبور دارد. با این وجود نیاز است تمامی ظرفیت‌های لازم بر اساس طرح راهبردی پیشنهادی فعال گردد. رویکرد این پژوهش توصیفی - تحلیلی، روش آن کیفی و شیوه گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: ایران، نظم بین‌المللی، نظم نوین جهانی، آمریکا، چین.

مقدمه و بیان مسئله

نظم بین‌المللی یکی از مهم‌ترین جنبه‌هایی است که نوع و چگونگی روابط کشورها را در نظام بین‌الملل با یکدیگر تنظیم می‌نماید. این نظم عموماً بر ساخته خواست و اراده قدرت‌های بزرگ است و آن‌ها در اعمال و تداوم آن نقش محوری دارند. در اوایل قرن نوزدهم، به دنبال سقوط ناپلئون و ایجاد موازنه قوا علیه فرانسه، کنسرت اروپا با حضور روسیه، پروس، اتریش و بریتانیا تشکیل شد و نظمی پدید آمد که در حدود صد سال صلح نسبی در این قاره را تضمین کرد. اما دو جنگ بزرگ جهانی اول و دوم، نظم پیشین را به‌طور کلی متلاشی کرد، تا زمانی که بار دیگر و بعد از جنگ جهانی دوم، نظمی جدید شکل گرفت. نظم جدید، یک نظام دو قطبی را در سطح بین‌المللی ایجاد و سراسر دوره جنگ سرد را پوشش داد. این نظم برخلاف نظم قبلی که بیشتر متمرکز بر اروپا بود، کل نظام بین‌الملل را شامل گردید. در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی با فروپاشی دیوار برلین و نیز از میان رفتن اتحاد جماهیر شوروی، نظام بین‌الملل وارد دوره جدید گردید که بعضاً آن را نظام تک قطبی، دوران گذار و یا نظام هیئت مدیره‌ای دانسته‌اند. اکنون با توجه به تحولات بیش از سه دهه اخیر نشانه‌های ظهور نظم نوینی در عرصه بین‌الملل نمایان گردیده است. خیزش قدرت‌های آسیایی از یک‌سو و کاهش تدریجی توانایی‌های کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا از سوی دیگر به‌گونه‌ای فزاینده توزیع قدرت در نظم بین‌المللی را تغییر داده است (شریعتی نیا، ۱۴۰۱، صص. ۷۴-۷۵). ثروت و قدرت از شمال و غرب در حال حرکت به سمت شرق و جنوب است و نظم جدید نه تنها کمتر آمریکایی است، بلکه ویژگی‌های لیبرال آن همچون شفافیت و حفظ روابط قانون محور نیز کاهش خواهد یافت و جای خود را به یک سیستم رقابتی‌تر و پراکنده‌ای از بلوک‌ها، حوزه‌های نفوذ و شبکه‌های مرکانتلیستی و رقابت‌های منطقه‌ای می‌دهد (ایکبری، ۱۳۹۰، ص. ۱۴۱). آمار و ارقام نیز ادعاهای فوق را ثابت می‌کند. به‌طور مثال سهم ایالات متحده از تولید ناخالص داخلی^۱ جهانی بر اساس معیار برابری قدرت خرید^۲ از رقم ۲۱/۵۲ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۱۵/۴۲ درصد در سال ۲۰۲۳ کاهش یافته است. اتحادیه اروپا نیز با این روند نزولی مواجه بوده چنانکه از ۲۳/۴۲ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۱۴/۵۵ درصد در سال ۲۰۲۳ رسیده است. اما در مقابل شاهد رشد عجیب چین هستیم؛ به‌طوری که سهم این کشور از تولید ناخالص داخلی

1. Gross Domestic Product (GDP)
2. Purchasing Power Parity (PPP)

جهان بر اساس معیار برابری قدرت خرید از ۴ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۱۸/۸۲ درصد در سال ۲۰۲۳ رسیده است (IMF, 2024). مهم آنکه تقریباً تمام پیش‌بینی‌های اقتصادی حاکی از تداوم این نزول و صعود پیش گفته دارند. رشد اقتصادی چین در بودجه نظامی این کشور نیز تأثیر داشته است؛ به طوری که هزینه‌های دفاعی چین در دو دهه گذشته تقریباً پنج برابر شده است و از ۶۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ به ۲۹۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است. اهمیت این رشد بودجه نظامی از آن رو است که در سال ۲۰۰۰ چین پس از ژاپن، دارای بیشترین هزینه دفاعی در منطقه هند و اقیانوس آرام بود، اما در سال ۲۰۲۲، چین بیشتر از مجموع ۱۷ کشور این منطقه از جمله هند، ژاپن، استرالیا، کره جنوبی و ... برای دفاع هزینه کرده است (China Power Team, March 5, 2024). چین اخیراً اعلام کرده است که بودجه دفاعی خود را در سال ۲۰۲۴ به میزان ۷/۲ درصد افزایش داده است (Wu & Bodeen, March 5, 2024). البته این ارقام مربوط به اعلام رسمی چین است و برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که رقم واقعی هزینه‌های نظامی چین احتمالاً بسیار بیشتر از ارقام رسمی و تقریباً نزدیک به بودجه نظامی ایالات متحده است (Robertson & Beaver, September 19, 2023). همه این موضوعات حاکی از آن است که جهان در آستانه ورود به نظم جدیدی با حضور قدرت‌های جدید، ارزش‌ها و اصول جدیدی است که متفاوت از مختصات نظم فعلی است. در حالی که روایت‌های متفاوتی از این پویایی‌های برهم‌زننده نظم فعلی و علل آن وجود دارد، با این حال، این لحظه نادری در روابط بین‌الملل (IR) است که در آن بسیاری از نظریه‌پردازان غربی موافق هستند که نظم جهانی لیبرال رو به افول است (Acharya, 2014; Duncombe & Dunne, 2018; Ikenberry, 2018; Layne, 2006; 2012; Speck, September 12, 2016; Tierney, 2018; Wallerstein, 2003; Walt, June 26, 2016; April 16, 2019).

از همین‌رو این پژوهش تلاش می‌کند به واکاوی نظم جدید در حال شکل‌گیری و ویژگی‌ها و شرایط وقوع آن بپردازد. همچنین از آنجا که ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در حال ظهور در منطقه ژئوپلیتیکی مهمی در نظم جدید به سر می‌برد، بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای ایران در رویارویی با نظام بین‌الملل جدید قابل اهمیت است. بنابراین نویسندگان، این پرسش اساسی را مدنظر قرار می‌دهند که راهکار مناسب برای ایران به‌منظور مواجهه با نظم نوین جهانی باید چه ویژگی‌هایی داشته و برخوردار از چه عناصری باشد؟ در راستای پاسخ به این پرسش ابتدا نگاهی به ادبیات پژوهش در این زمینه خواهد شد و سپس در قالب چهارچوب مفهومی بحث،

مختصات، شکل و چگونگی نظم نوین بین‌المللی در مقام مقایسه با نظم پیشین تبیین می‌گردد و سپس فرصت‌ها و تهدیدهایی که ایران در سطح منطقه‌ای و جهانی در ارتباط با این نظم خواهد داشت، ارزیابی خواهد شد و در نهایت بر طبق این ارزیابی‌ها، راهکار مناسب ارائه می‌گردد. رویکرد این پژوهش توصیفی - تحلیلی، روش آن کیفی و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است.

۱. پیشینه پژوهش

در منابع لاتین، اکثر قریب به اتفاق مواردی که مورد بررسی قرار گرفت نسبت به افول نظم لیبرال و بعضاً پایان هژمونی آمریکا و یا به خطر افتادن جدی آن، اتفاق نظر وجود دارد. با این وجود دو رویکرد کلی در این خصوص قابل شناسایی است. نخست منابعی که تغییر را در قالب پایان نظم لیبرال ترسیم می‌کنند. از جمله آچاریا که عنوان می‌دارد دوران تسلط جهانی توسط هر قدرت واحدی که جهان قبلاً در بریتانیا و سپس آمریکا تجربه کرده است، به پایان رسیده است (Acharya, 2014). کوهن نیز در پژوهشی دیگر کاسته شدن از سهم آمریکا در تولید ناخالص داخلی جهانی از ۴۰ درصد در سال ۱۹۶۰ به کمتر از یک چهارم را دلیلی بر این افول می‌داند (Cohen, April 19, 2022). اشتاینبرگ نیز استدلال می‌کند که در دنیای امروزی، نظم لیبرال رو به زوال است، قدرت پراکنده شده است و دولت‌های تجدیدنظرطلب از لیبرالیسم استقبال نمی‌کنند. اما می‌توان یک نظم جدید مبتنی بر قوانین، مشروط به یک قرارداد اجتماعی به‌روز شده را بازسازی کرد که بخش اعظم جهان را پوشش دهد (Steinberg, 2022). دوم منابعی که تغییر را حتمی می‌دانند، اما هنوز برای آمریکا در جهت حفظ برخی از پایه‌های نظم فعلی و یا طولانی کردن وضعیت نظم کنونی احتمال قائل هستند و بعضاً به دنبال ارائه راهکار در این زمینه می‌باشند. به‌عنوان مثال ایکنبری در خصوص اینکه بحران پیش آمده برای نظم فعلی چقدر عمیق است پاسخ می‌دهد که ممکن است به‌سادگی یک شکست موقت باشد و با رهبری سیاسی جدید و رشد اقتصادی مجدد، نظم لیبرال می‌تواند بازگردد. وی در ادامه استدلال می‌کند اما بیشتر ناظران فکر می‌کنند که چیز اساسی‌تری در حال وقوع است. بنابراین آینده انترناسیونالیسم لیبرال به دو سؤال بستگی دارد. اولاً، آیا ایالات‌متحده و دیگر دموکراسی‌های لیبرال می‌توانند جهت‌گیری سیاسی مترقی خود را باز پس گیرند؟ دوم، آیا ایالات‌متحده و متحدان قدیمی‌اش می‌توانند ائتلاف گسترده‌تری از کشورهایی را که مایل به همکاری در یک نظم جهانی لیبرال اصلاح‌شده هستند،

گسترش داده و بازسازی کنند؟ (Ikenberry, 2018) از سوی لین معتقد است آینده هژمونی ایالات متحده بر مسائل مربوط به زمان و هزینه‌ها متمرکز است. وی اذعان می‌کند که بر اساس محاسبات وولفورث این هژمونی می‌تواند حداقل تا سال ۲۰۳۰ ادامه یابد (Layne, 2006, p. 38). همچنین لیند و وولفورث در پژوهشی دیگری راه‌های نجات نظم لیبرال را از طریق ایجاد و به‌کارگیری یک نظم محافظه‌کارانه برشمرده‌اند (Lind & Wohlforth, February 12, 2019).

در میان منابع فارسی که به موضوع نظم بین‌المللی پرداخته‌اند نیز دو رویکرد کلی قابل تمییز دادن است. نخست منابعی که به دنبال ترسیم نظم بین‌المللی مطلوب و شرایط تحقق آن هستند. از جمله می‌توان به کتاب «نظام بین‌الملل موجود و نظام بین‌الملل مطلوب» از قربانی شیخ‌نشین و صبوری (۱۳۹۴) اشاره کرد که شرایط نظم بین‌المللی موجود با نظم بین‌المللی مطلوب را مقایسه می‌نماید. دوم منابعی که مسائل و مشکلات مبتلابه نظم فعلی و آتی را تبیین نموده‌اند. به‌عنوان نمونه دهقانی فیروزآبادی و ذبیحی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «انقلاب اسلامی ایران و عدم مطلوبیت نظم بین‌المللی موجود» چالش‌های ایران با نظم فعلی را مورد بررسی قرار داده‌اند. این پژوهش ضمن بررسی آینده تحولات نظم جهانی و چشم‌اندازهایی که پیرامون آن رخ خواهد داد، نه به دنبال ترسیم وضعیت نظم مطلوب، بلکه به دنبال شیوه مطلوب عمل و عکس‌العمل ایران در آینده محتمل است. اما اخوت و چگنی زاده (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «نظم جهانی از منظر کیسینجر، مطالعه موردی بحران اوکراین» تلاش کرده‌اند با توسل به دیدگاه‌های کیسینجر به بررسی بحران اوکراین و تأثیر آن بر نظم جهانی بپردازند. نویسندگان عنوان می‌کنند که کیسینجر نظم جهانی را مجموعه‌ای از مفاهیم مورد پذیرش برای یک منطقه درباره چیرستی مناسبات عادلانه و توزیع قدرتی که گمان می‌کنند باید بر همه جهان اعمال گردد، تعریف می‌کند. آن‌ها سپس با اشاره به بحران اوکراین می‌نویسند: این بحران با گسترش غرب به سمت روسیه پس از جنگ سرد، نظم جهانی موجود را به چالش کشیده است. فاصله گرفتن اوکراین از یک مشی متعادل میان شرق و غرب، این بحران را به حد منازعه کشانده است و مهم‌ترین اثر این منازعه بر نظم جهانی، تغییر ادراک جغرافیایی روسیه از جایگاه خود است. اثرات این بحران به رانده شدن روسیه از جغرافیای اروپایی محدود نخواهد ماند و اثرات خود را بر مجموعه‌سازی‌های امنیتی در جهان نشان خواهد داد. آن‌ها تأکید می‌کنند: عمیق‌ترین جنبه این تأثیر، قوت گرفتن انگاره شرق با پیوستن روسیه به جغرافیای

شرقی است. نجفی سیار (۱۴۰۲) نیز در مقاله‌ای با عنوان «نظم بین‌المللی در حال گذار و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران» به ذکر دلایلی برای ادعای تغییر نظم بین‌المللی پرداخته و تلاش می‌کند به این سؤال پاسخ دهد که مختصات نظم بین‌المللی در حال گذار چیست و چه پیامدهایی برای ایران به دنبال دارد؟ نویسنده با بهره‌گیری از نظریه‌های تنوع و تکثر قدرت در نظام بین‌الملل به این گزاره رسیده که مهم‌ترین فرصت‌های نظم در حال گذار بین‌المللی برای ایران شامل جبهه‌بندی و شکاف قدرت‌های بزرگ در بحران‌های بین‌المللی و ایجاد فضای کنشگری فعالانه برای ایران، شکل‌گیری تدریجی ساختارهای مالی و پولی موازی جهانی و ایجاد فضای جدید برای تعاملات اقتصادی و تجاری ایران، برجسته شدن گره‌های اقتصادی جدید در سطح منطقه‌ای برای ایران، کاهش اجماع قدرت‌های جهانی در مورد اصول و هنجارهای بین‌المللی و ایجاد فضای هنجاری جدید برای قدرت‌های ضد هژمون نظیر ایران و نظایر این‌ها است.

از سوی دیگر، مهم‌ترین چالش‌های نظم در حال گذار بین‌المللی برای ایران شامل سیاست محتاطانه برخی قدرت‌های نوظهور و ایجاد ابهام و پیچیدگی برای نقش‌آفرینی ایران، افزایش رقابت‌ها و مناقشات منطقه‌ای با توجه به کاهش حضور و نقش‌آفرینی قدرت‌های بزرگ در سطح منطقه، روبرو شدن ایران با انواع تهدیدات سایبری و افزایش عدم قطعیت‌ها و پیچیدگی‌ها در محیط راهبردی ایران است. در مجموع می‌توان گفت تمایز و نوآوری پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های صورت گرفته در زبان انگلیسی مربوط به بخش ایران و توصیه‌های سیاستی آن می‌باشد و نسبت به پژوهش‌های هم‌تا در زبان فارسی گستردگی تحلیلی و رویکرد کاربردی آن است.

۲. چهارچوب مفهومی: نظم بین‌المللی (جهانی)

۲-۱. هستی‌شناسی و تعریف نظم بین‌المللی

هستی‌شناسی نظم بین‌المللی / جهانی از سه منظر قابل طرح و بررسی است. نخست ماهیت واحدهای مولد و بازیگران مقوم نظم که بر این اساس سه گونه مختلف را می‌توان شناسایی کرد: نظم‌ی که ماهیت آن را ملت-دولت‌ها تشکیل می‌دهد و بر مبنای دولت محوری شکل و قوام یافته است. نظم‌ی که افراد انسانی آن را شکل می‌دهند و بر مبنای فردگرایی استوار است و در نهایت نظم‌ی که ماهیت آن متشکل

از بازیگران دولتی و غیردولتی به‌طور توأمان بوده و تکثرگرایی اساس برقراری آن است.

دومین وجه در هستی‌شناسی، چگونگی تولید و تأسیس نظم است که می‌تواند ارادی، خودآگاه و هدمند باشد و برآمده از محصول تصمیم، تدبیر، توافق یا تحمیل واحدها باشد؛ و یا اینکه غیرارادی، ناخودآگاه و خودجوش باشد که در این حالت در نتیجه تعامل واحدها و عوامل ساختاری ایجاد گردیده است؛ و در نهایت ممکن است ترکیبی از هر دو عنصر ارادی (کارگزاری) و غیرارادی (ساختاری) باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶، صص. ۱۵۴-۱۴۹).

سومین مقوله در هستی‌شناسی نظم بین‌المللی نیز کارگزاران مولد نظم است که می‌تواند شامل یک بازیگر قدرتمند و ممتاز؛ یک دسته از بازیگران قدرتمند و ممتاز و یا تعداد زیادی از بازیگران تقریباً هم‌زور و هم‌پایه با جایگاه نسبتاً برابر باشد (Kegley & Blanton, 2011, pp. 93-95). بر مبنای هستی‌شناسی ارائه شده چهار تعریف از نظم بین‌المللی را می‌توان احصا کرد:

بر اساس تعریف نخست، نظم به‌مثابه نظام جهانی یا بین‌الملل مدنظر است (ایوانز و نونام، ۱۳۸۱، صص. ۴۰۶-۴۰۷) که در این حالت نظم مجموعه‌ای از واحدهای سیاسی و بازیگران بین‌المللی متعامل و مرتبط است که از الگوهای رفتاری مشخص و مکرری پیروی می‌کنند و قواعد معینی بر آن حاکم است. در این صورت، الگوهای نظام بین‌الملل انواع مختلفی از جمله به‌صورت موازنه قوا، امنیت دسته جمعی، کنسرت قدرت‌های بزرگ و هژمونیک دارد.

در تعریف دوم از نظم بین‌المللی، ترتیبات و رفتار الگومند بازیگران بین‌المللی مدنظر است (Sørensen, 2006) که در این شکل، نظم‌های جهانی پدیده‌های اجتماعی، تاریخی و جغرافیایی هستند که بر حسب ترتیبات و انتظامات الگومند مشخص بین کنشگران جهانی تعریف و توصیف می‌شوند و متضمن ارتباطات خودآگاه و ناخودآگاه آنان با یکدیگر و یا با محیط‌های طبیعی و اجتماعی پیرامونشان می‌باشد.

گاهی نظم بین‌المللی بر اساس قوانین و مقررات حاکم بر روابط و تعاملات بازیگران بین‌المللی تعریف می‌شود، که در این صورت نظم بین‌المللی عبارت است از «قواعد و مقررات حاکم بر - اگرچه به‌صورت نامنظم و مبهم - مهم‌ترین روابط و تعاملات نظام بین‌دولت‌ها به‌طور عام و قدرت‌های بزرگ به‌طور خاص» (Goldstein & Pevehouse, 2008, p. 43).

در تعریف نهایی، نظم جهانی به‌مثابه همکاری بین‌المللی مدنظر می‌باشد. در این

حالت، نظم جهانی برحسب همکاری کنشگران جهانی تعریف می‌شود و همکاری، مفهومی خاص از نظم و ترتیب است که در بردارنده میزانی از اختیار و انتخاب - اگرچه بدون برنامه‌ریزی - بازیگران جهانی می‌باشد. در این شرایط نظم جهانی، ماهیتی ارادی و آگاهانه دارد و مستلزم هماهنگی رفتارها و سیاست‌هاست که فراتر از ترتیبات و مقومات مادی و ساختاری صرف می‌رود. همچنین نظم جهانی هدفمند بوده و متضمن و مستلزم وضعیتی است که امکان تأمین هدف‌های مشترک بازیگران را فراهم می‌سازد. همچنین چنانچه نظم بین‌المللی را به‌مثابه همکاری بین‌المللی مورد توجه قرار دهیم، امکان وقوع آن در سه نوع همکاری قابل رؤیت است:

۱. حداقلی: هماهنگی پنهانی سیاست‌ها و مواضع؛ همکاری پنهانی؛
۲. حد وسطی: هماهنگی علنی سیاست‌ها و مواضع؛ همکاری علنی؛
۳. حداکثری: هماهنگی عملی رفتارها و کنش‌ها؛ همکاری عملی (کلارک، ۱۳۸۳، ص. ۱۴۲۱).

۲-۲. انواع نظم جهانی

با توجه به هستی‌شناسی مطرح شده و تعاریف مختلف موجود از مقوله نظم جهانی یا بین‌المللی، می‌توان این نظم را در سه شکل کلی زیر تقسیم‌بندی نمود:

- ❖ نظم جهانی قدرت‌محور: در این حالت، نظم جهانی معلول قدرت‌طلبی کشورهاست و تأکید بر نقش قدرت مادی نظامی - اقتصادی کنشگران بین‌المللی و نحوه توزیع قدرت میان آن‌ها می‌باشد. این نظم به شکل موازنه قدرت در سطح نظام بین‌الملل متجلی می‌شود و واحدهای تشکل دهنده این نوع نظم، کشورهای برخوردار از حاکمیت هستند که به دنبال افزایش قدرت و امنیت خود می‌باشند (Waltz, 1979; Morgenthau, 1973)؛
- ❖ نظم جهانی منفعت‌محور: این نوع نظم بین‌المللی / جهانی در چهارچوب پارادایم لیبرالیسم شکل می‌گیرد و حاصل اقدامات و رفتارهای افراد منفعت‌طلب و سودجو و گروه‌های اجتماعی و دولت ملی لیبرال است که برای تأمین منافع فردی شکل گرفته‌اند. این نظم ماهیتی لیبرال دارد و بر مبنای منافع لیبرال ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر نظم لیبرال، به دنبال تثبیت و نهادینه کردن اصول و اقدامات لیبرال در چهارچوب نهادهای ملی و بین‌المللی شکل گرفته و حفظ می‌شود (Hall, 1996, pp. 1-)

❖ نظم جهانی هنجارمحور: این نوع از نظم جهانی نتیجه قدرت‌طلبی کشورها یا سودجویی انسان‌ها و دولت‌های لیبرال نیست، بلکه معلول منافع، هنجارها و ارزش‌های مشترک انسانی و اجتماعی در سطح بین‌المللی/جهانی است. انگیزه و علت اصلی نظم جهانی، رعایت و پیروی از هنجارها و ارزش‌های انسانی به دلیل ارزش ماهوی آن‌هاست. هنجارها و ارزش‌های انسانی جهان‌شمول، منجر به شکل‌گیری و تداوم نظم آگاهانه و خودخواسته در سطح بین‌المللی/جهانی می‌شود. عاملان و کارگزاران این نظم جهانی نیز افراد انسانی بوده که به شکل گروه‌ها و جوامع انسانی سازمان یافته‌اند. این نظم جهانی در بردارنده مصالح، ارزش‌ها، هنجارها، قواعد و نهادهای مشترک انسانی و مبتنی بر عقل سلیم می‌باشد (رتگر، ۱۳۸۶، صص. ۳۳۸-۳۵۹).

۲-۳. عناصر و مؤلفه‌های نظم جهانی

عناصر و مؤلفه‌های نظم جهانی شامل واحدها / بازیگران، ساختار اعم از مادی و غیرمادی، فرایند و قواعد است که هرکدام شرح داده می‌شود:

❖ واحدهای سیاسی و بازیگران جهانی: هر نظم جهانی بر پایه وجود یک دسته از واحدهای سیاسی و بازیگران جهانی شکل می‌گیرد. تصور یک نظم جهانی بدون واحدها و بازیگران ناممکن است. واحدهای تشکیل‌دهنده همه نظم‌های جهانی لزوماً ماهیت و هویت یکسانی ندارند. به‌طور کلی واحدها یا کارگزاران نظم جهانی ممکن است بازیگران دولتی یا غیردولتی یا ترکیبی از این دو باشند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۹).

❖ ساختار اعم از مادی و غیرمادی: یک نظم جهانی را نمی‌توان بدون ساختار تصور کرد. این ساختار می‌تواند در دو حالت وجود داشته باشد: ساختار مادی عبارت است از چگونگی تنظیم و ترتیب یا آرایش و چینش واحدهای شکل‌دهنده به نظم جهانی که در آن هر یک از واحدها با توجه به میزان توانایی یا قدرتی که دارد جایگاهی را در نظام جهانی به خود اختصاص می‌دهد. ساختار نظم جهانی بر اساس چگونگی توزیع قدرت یا توانایی مادی (اقتصادی و نظامی) بین واحدها شکل می‌گیرد که برحسب قطبیت جهانی تعریف می‌شود و نظم جهانی می‌تواند ساختار تک قطبی، دوقطبی، چندقطبی و ... داشته باشد (Waltz, 1979, pp. 97-98; Keohane &)

745). اما در ساختار غیرمادی، چگونگی توزیع ایده‌ها در بین واحدها یا بازیگران بین‌المللی و نیز دانش مشترک و فهم بین‌ذهنی بازیگران بین‌المللی مدنظر است (Wendt, 1999). فرهنگ حاکم بر بازیگران بین‌المللی به الگوی تعامل آن‌ها شکل می‌دهد که می‌تواند به سه حالت فرهنگ هابزی مبتنی بر ستیزش؛ لاکی مبتنی بر رقابت و یا کانتی مبتنی بر همکاری باشد.

❖ فرایند نظم جهانی: الگوهای تعامل بین واحدها را اصطلاحاً فرایند می‌گویند و مبتنی بر راه و روش‌هایی است که واحدها و بازیگران جهانی به یکدیگر مرتبط شده و ارتباط برقرار می‌کنند، به‌طوری که میزان و درجه نهادینگی روابط و نظام بین‌الملل را مشخص می‌کند. تعامل بین واحدها ممکن است به‌صورت مستقیم حکومتی مانند تماس‌ها و مبادلات اقتصادی و دیپلماتیک یا مستقیم غیرحکومتی مانند توریسم یا حکومتی غیرمستقیم مانند پذیرش صنعتی شدن باشد. محتوا و مفاد تعامل نیز می‌تواند متفاوت باشد و به‌صورت ستیزش، همکاری، رقابت یا ترکیبی از آن‌ها باشد. البته در عمل هیچ یک از این انواع و اشکال تعامل به‌تنهایی حاکم بر روابط واحدها نیست؛ بلکه یکی از آن‌ها غلبه و رواج بیشتری دارد. همچنین شدت و تراکم تعامل بین واحدها نیز مختلف و متفاوت است (Keohane & Nye, 1987, pp. 745-749; Ruggie, 1986).

❖ قواعد نظم جهانی: مفروضات و هنجارهایی هستند که تمامی تعاملات واحدها بر آن استوار است و به روابط و مناسبات جهانی سامان می‌دهند. از جمله قواعد تنظیم‌کننده نظم جهانی، می‌توان به رویکردها و نهادهایی اشاره کرد که برای حل و فصل اختلافات میان واحدها مورد استفاده قرار می‌گیرند. همچنین تجویزها، تحریم‌ها و هنجارهای رفتاری که بر اساس حقوق و تکالیف تعریف می‌شوند از دیگر قواعد به شمار می‌روند. حاکمیت ملی، استقلال و عدم مداخله در امور داخلی دیگران، تمامیت ارضی، برابری حقوق و وظایف، مزمت زور و خشونت تجاوزکارانه و حق تعیین سرنوشت از جمله مهم‌ترین قواعد حاکم بر نظم‌های جهانی در جهان معاصر هستند (هالستی، ۱۳۷۳، صص. ۱۴۳-۱۴۰).

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. تطور از نظم جهانی موجود به نظم نوین جهانی

اکنون بر اساس آنچه در چهارچوب مفهومی توضیح داده شد، ماهیت و مختصات نظم جهانی موجود و نظم جهانی در حال شکل‌گیری مورد تبیین قرار می‌گیرد. نظم جهانی موجود از نظر ماهیت و مختصات، قدرت محور، منفعت‌محور و نخبه‌گرایانه می‌باشد و محوریت آن با غرب به رهبری ایالات‌متحده آمریکا و به شکل دولت‌محور می‌باشد (Parmar, 2018, pp. 151-172). این نظم همچنین لیبرال، اما ناعادلانه است (Lawson & Zarakol, 2023, p. 201). پایه‌های چهارگانه نظم موجود بدین صورت است:

- پایه فرهنگی: مبتنی بر ایدئولوژی لیبرالیسم و هژمونی لیبرال است (Walt, 2019, p. 26). در این نظم، لیبرالیسم به‌عنوان بهترین و کامل‌ترین نظام اندیشگی که بشر به آن دست یافته، مطرح می‌باشد. ارزش‌ها و هنجارهای لیبرال مانند حقوق بشر آمریکایی در این نظم مشروعیت و حاکمیت دارد.

❖ پایه سیاسی: نظام سیاسی مطلوب منحصراً نظام لیبرال دموکراسی است (دهشیار، ۱۳۸۸، صص. ۱۱۰-۱۱۲) و تنها نظام سیاسی و الگوی حکمرانی مشروع محسوب می‌گردد و در آن گونه‌ها و الگوهای دیگر مردم‌سالاری نفی می‌گردد.

❖ پایه اقتصادی: نظام اقتصادی بر پایه مکاتب لیبرال و نولیبرال است و اقتصاد با تکیه بر اقتصاد آزاد و بازار شکل می‌گیرد و تجارت بین‌الملل آزاد، هدف آن محسوب می‌گردد (Ikenberry, 2020, pp. 33-35).

❖ پایه نظامی: مبتنی بر قدرت نظامی بلامنازع آمریکا است (Peou, 2021, p. 79) و حق انحصاری خودخوانده آمریکا در استفاده از زور در روابط بین‌الملل بروز و ظهور کرده است. ساختار نظم موجود نیز یک یا چندقطبی به شمار می‌رود.

۳-۲. ماهیت و مختصات نظم جهانی در حال شکل‌گیری

نظم جهانی در حال شکل‌گیری دارای ویژگی‌های متفاوتی از نظم فعلی است که عمدتاً ناظر بر تفاوت درباره نوع و چگونگی تعامل قدرت‌های بزرگ با یکدیگر است. به‌طوری که در نظم جدید، الگوهای تعامل آمریکا- روسیه به شکل رقابتی- ستیزشی و الگوهای تعامل آمریکا - چین به سمت رقابتی- همکاری پیش خواهد رفت. در

نظم جدید، بر امنیت به شکل تقسیم ناپذیر تأکید خواهد شد، زیرا هیچ کشوری نمی‌تواند امنیتش را به قیمت ناامنی دیگران تأمین و تقویت کند و امنیت جمعی برای همه مبنا خواهد بود. ضمن اینکه قدرت سایبری و ژئوپلیتیک هوش مصنوعی مبتنی بر قدرت تولید، توزیع و کنترل داده‌ها اهمیت خواهد یافت (دهقانی فیروزآبادی و چهارزاد، ۱۴۰۰) و چالش برای هژمونی تکنولوژیک آمریکا نیز آغاز خواهد شد (Johnson, 2021, p. 351). ماهیت و مختصات نظم جهانی در حال شکل‌گیری نیز منفعت‌محور و قدرت‌محور است با این تفاوت که نظم جدید، پساغربی و غیرلیبرال است (Stuenkel, 2016). این نظم، یک نظم دولت محور صرف نیست و به‌جز دولت، سایر بازیگران نیز مورد توجه خواهند بود. نظم جهانی در حال شکل‌گیری ویژگی‌هایی دارد که منجر به تغییرات ساختاری در نظم جهانی موجود می‌شود که از آن جمله افول هژمونی آمریکا و مشروعیت‌زدایی از هژمونی آمریکا است که به معنای کاهش توان کنترل یک‌جانبه نظم و نظام بین‌الملل، مدیریت امور بین‌المللی و تعیین دستورکارهای بین‌المللی توسط این کشور است. به‌طوری که الگوهای جدید قدرت سیاسی و اقتصادی شامل چین، اتحادیه اروپا، هند، برزیل، روسیه و آفریقای جنوبی ایجاد می‌شود (Rapanyane, 2020, p. 1). همچنین در نظم نوین جهانی شاهد تمرکز زدایی از هژمونی آمریکا خواهیم بود؛ بدین معنا که چالش علنی روسیه و چین با نظم مبتنی بر یک‌جانبه‌گرایی آمریکا پدیدار خواهد شد (Owen IV, 2020, p. 809). در نظم نوین جهانی، پایه‌های چهارگانه نظم موجود رو به ضعف خواهد بود:

- ❖ پایه فرهنگی: تضعیف جهان‌شمولی ارزش‌های آمریکایی را در پی دارد (جمشیدی‌ها و قربی، ۱۴۰۰، ص. ۶۳). مبتنی بر پایان نظم قاعده بنیان لیبرال است و ایدئولوژی لیبرالیسم و ارزش‌های لیبرال تضعیف می‌گردد و همچنین ایدئولوژی‌ها و ارزش‌های غیرلیبرال تقویت می‌شوند. در نظم جدید، چالش و رقابت میان فرهنگ اسلام و کنفوسیوس با لیبرالیسم وجود خواهد داشت (Xuetong, 2018; Wallerstein, 2003, pp. 100-148)؛
- ❖ پایه سیاسی: تغییر و تحول در ماهیت نظام‌های سیاسی و الگوهای حکمرانی ایجاد خواهد گردید و الگوی لیبرال دموکراسی غربی تضعیف می‌شود (Walt, 2016). در نتیجه آمریکا در جلوگیری از ظهور بازیگران تجدیدنظرطلب و چالشگر سلطه این کشور ناتوان خواهد بود. همچنین چالش گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان مقاومت با گفتمان لیبرال دموکراسی ایجاد می‌شود؛

- ❖ پایه اقتصادی: مبتنی بر تضعیف نظم اقتصادی لیبرال (Layne, 2012, p. 203) و جهانی زدایی است. دلار زدایی از تجارت بین‌الملل رونق خواهد گرفت و قدرت اقتصادی آمریکا و جایگاه آن در اقتصاد بین‌الملل افول خواهد کرد. کاهش سلطه و کنترل آمریکا بر نظام مالی جهانی و دلارزدایی از تجارت بین‌الملل جزو ویژگی‌های این تطور است؛ چنانکه معاون دبیر کل سازمان همکاری‌های شانگهای اعلام کرده است که این سازمان در حال تدوین نقشه راه برای کنار گذاشتن کامل دلار در مبادلات تجاری بین اعضا و استفاده از ارزهای ملی است (ایرنا، ۵ اردیبهشت ۱۴۰۲). رسانه‌های مالی بزرگ در غرب همچون فایننشال تایمز و بلومبرگ اذعان کرده‌اند که دلار زدایی با سرعت خیره‌کننده‌ای در حال وقوع است (Norton, April 21, 2023). روزنامه واشینگتن تایمز در تحلیلی می‌نویسد امروزه تنها ۴۰ درصد تجارت جهانی به دلار آمریکا انجام می‌شود در حالی که یک دهه قبل این رقم ۵۲ درصد بود. همچنین اگر تغییرات قیمت را تنظیم کنید، سهم دلار آمریکا به‌عنوان ارز ذخیره جهانی از ۷۳ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۴۷ درصد در سال ۲۰۲۲ کاهش یافته است (Onge, June 27, 2023). اگرچه هنوز دلار به‌عنوان قوی‌ترین ارز جهانی شناخته می‌شود، اما می‌توان گفت تضعیف آن آغاز شده است. جدا از کشورهای مخالف آمریکا همچون روسیه، ایران و چین، کشورهایی همچون مالزی و برزیل نیز که روابط خوبی با آمریکا دارند بر تنوع بخشیدن ارز ذخیره جهانی تأکید کرده‌اند. حتی طرحی برای احیای ایده صندوق پول آسیایی وجود دارد که اولین بار توسط ژاپن در طول بحران مالی آسیا پیشنهاد شد. در سال ۲۰۲۳، بولیوی سومین کشور آمریکای لاتین پس از آرژانتین و برزیل شد که از رمینبی^۱ در تسویه معاملات تجاری استفاده می‌کند. حتی عربستان سعودی در حال بررسی استفاده از رمینبی در تجارت نفت با چین است (Plummer, 21 August 2023)؛
- ❖ پایه نظامی: قدرت نظامی بلامناع آمریکا نسبت به گذشته با کاهش نسبی مواجه می‌شود و در تأمین امنیت بین‌الملل دچار افول خواهد شد (Hulme & Gartzke:2021, p. 542). آمریکا در تبدیل قدرت نظامی به

۱. رمینبی (Renminbi) یکای پول رسمی کشور چین است. یکای اصلی آن هم یوان است.

پیروزی نظامی در جنگ از توانایی گذشته برخوردار نخواهد بود. حق انحصاری خودخوانده آمریکا در استفاده از زور در روابط بین‌الملل پایان یافته و امکان به‌کارگیری زور توسط سایر قدرت‌های بزرگ وجود خواهد داشت. همچنین قدرت نظامی چین افزایش نسبی خواهد یافت (وئوتی، رستمی و یزدانی، ۱۳۹۷، صص. ۱۷-۱۸). چنانکه این کشور قصد دارد تا سال ۲۰۲۷ که صدمین سالگرد تأسیس ارتش آزادی‌بخش خلق چین است، به مدرن‌سازی ارتش خود بپردازد و به همین دلیل هر سال شاهد افزایش بودجه دفاعی این کشور هستیم؛ به‌طوری که از زمان به قدرت رسیدن جین پینگ، بودجه دفاعی با ضریب ۲/۳ افزایش یافته است (Economic Times, March 12, 2024). در حالی که عمدتاً به دلیل عدم شفافیت چین، محاسبه هزینه‌های واقعی نظامی این کشور دشوار است. در سال ۲۰۰۲، وزارت دفاع ایالات‌متحده گزارش داد که هزینه‌های دفاعی واقعی چین ممکن است چهار برابر بیشتر از بودجه اعلام شده رسمی آن باشد. در سال ۲۰۲۱، وزارت دفاع آمریکا خاطرنشان کرد که هزینه‌های نظامی واقعی چین ممکن است در حال حاضر حدود ۱/۱ تا ۲ برابر بیشتر از آنچه در بودجه رسمی آن ذکر شده، باشد (China Power Team, March 5, 2024). سناتور آمریکایی دن سالیوان اخیراً فاش کرد که برآوردهای دولت آمریکا بودجه دفاعی سالانه چین را حدود ۷۰۰ میلیارد دلار تخمین می‌زند. این رقم فقط کمی پایین‌تر از بودجه دفاعی ایالات‌متحده در سال ۲۰۲۳ است (Eaglen, August 08, 2023). ژنرال مارک میلی، رئیس پیشین ستاد مشترک ارتش ایالات‌متحده نیز بارها در برابر مجلس سنا شهادت داده است که ارقام منتشر شده از سوی چین درباره هزینه‌های نظامی‌اش گمراه‌کننده هستند. فارن پالیسی نتیجه می‌گیرد در حال حاضر ارتش ایالات‌متحده هم از نظر ظرفیت و هم از نظر توانایی برتر است، اما وقتی چشم‌انداز استراتژیک و مسیر مدرن‌سازی چین را در نظر می‌گیریم، این وضعیت به‌سرعت محو می‌شود (Robertson & Beaver, September 19, 2023).

در حالی که چین ساختار اقتصادی بین‌المللی کنونی را پذیرفته و از آن بهره می‌برد، در هنگام سازمان‌دهی سیاست داخلی و روابط بین‌الملل خود، به احتمال بسیار کمتری با سیاست و اصول نظم هژمونیک لیبرال فعلی همراهی خواهد داشت

(Acharya, 2014, p. 47). با این وجود همگام با نظریات دنگ شیائوپینگ^۱، پکن اهمیت مسیر رسیدن به قدرت را درک کرده و برای دست یافتن به این مهم از یک استراتژی «ظهور صلح‌آمیز»^۲ مبتنی بر اجتناب از رویارویی پیروی کرده است (Tierney, 2018, p. 16). بنابراین در نظم جهانی نوین، چین جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت و در کنار آمریکا به‌عنوان یکی از حداقل دو قدرت برتر مطرح خواهد بود. در این نظم، زنجیره ارزش جهانی شرق محور به مرکزیت چین تقویت می‌گردد و پیمان شانگهای به‌موازات ناتو از جایگاه مؤثرتری برخوردار خواهد بود. همچنین ابتکار امنیت جهانی شی جین پینگ که بر پایه اصولی نظیر امنیت پایدار، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور داخلی کشورها، احترام به انتخاب ملت‌ها در نوع نظام سیاسی، نفی یک‌جانبه‌گرایی و نفی بلوک‌بندی نظامی علیه دیگران پی ریزی شده است، می‌تواند مبنایی برای همکاری‌های جدید در تأمین امنیت باشد.

با این حال باید اذعان کرد حداقل در عرصه ایدئولوژیک هیچ جایگزین بزرگی برای نظم بین‌المللی لیبرال وجود ندارد. چین مدلی ندارد که برای بقیه جهان جذاب باشد. روسیه هم همین‌طور. این‌ها دولت‌های سرمایه‌داری استبدادی هستند (Ikenberry, 2018, p. 23). در نتیجه افول نظم لیبرال به معنای از میان رفتن قدرت کشورهای بلوک غربی و یا به‌طور مثال تبدیل شدن آمریکا به یک بازیگر عادی نیست. در اکثر سناریوها و احتمالات درباره ساختار قدرت محتمل در نظم جدید جهانی، آمریکا به‌عنوان یک قدرت بزرگ همچنان به بازیگری خود ادامه خواهد داد (Marchetti, 2018, pp. 83-99). حتی نسبت به اینکه گروه بریکس بتواند تهدید معتبری برای نظم فعلی باشد- به دلیل ناهمگونی سیاسی و ایدئولوژیک آن و ناتوانی آن در توسعه یک چشم‌انداز نظم جهانی جمعی- تردید وجود دارد (Nuruzzaman, 2020, p. 51). البته تفوق آمریکا، نه تنها در جهان، بلکه حتی در خود بلوک غرب نیز ممکن است به چالش کشیده شود و این امکان وجود دارد که آمریکا در نزد کشورهای غربی نیز از تعیین‌کنندگی گذشته برخوردار نباشد. با این وجود از تلاش آمریکا برای باقی ماندن به‌عنوان یک قدرت برتر در عرصه جهانی کاسته نخواهد شد و این کشور بر طبق اهداف امنیت ملی خود تلاشش را برای مهار و کنترل سایر قدرت‌ها و به‌ویژه چین به کار خواهد بست تا لاقلاً به‌عنوان یکی از قدرت‌های تعیین‌کننده در نظم نوین جهانی باقی بماند.

1. Deng Xiaoping
2. Peaceful Rise

در مقابل، چین استراتژی تقویت منطقه‌گرایی را به‌ویژه در محیط پیرامونی خود برای تضعیف قدرت ایالات‌متحده و پیشبرد ابتکار کمربند و جاده دنبال خواهد کرد (Ali et al.: 2021, p. 225)؛ (Wang, 2020, p. 249) و به‌موازات افزایش قدرت چین، منطقه‌گرایی نیز اهمیت خواهد یافت. در نتیجه ژئوپلیتیک و قدرت نظامی در مناسبات قدرت‌های جهانی به کانون توجه برمی‌گردد و مناطقی مانند هند، پاسیفیک، اوراسیا، غرب آسیا، آفریقا و آسیای مرکزی ارزش و اهمیت راهبردی پیدا خواهند کرد. متعاقب آن قدرت‌های منطقه‌ای نیز ارزش و اهمیت راهبردی پیدا کرده و از آزادی عمل و خودمختاری راهبردی برخوردار خواهند شد. در این میان، رقابت در غرب آسیا میان قدرت‌های بزرگ افزایش خواهد یافت و بازی بزرگ در این منطقه در جریان خواهد بود. در این نظم جدید متحدین برای قدرت‌های بزرگ ارزش و اهمیت راهبردی بیشتری خواهند داشت و فاصله گرفتن تدریجی متحدین عرب آمریکا از این کشور و نزدیکی آن‌ها به چین و روسیه متصور است.

۳-۳. فرصت‌ها و تهدیدهای نظم نوین برای ایران

نظم جهانی نوظهور نیز مانند هر پدیده دیگر دارای تهدیدها و فرصت‌هاست و استفاده بهینه از فرصت‌ها نیازمند بازیگری فعال و فرصت‌ساز، بازی‌سازی و بازیگردانی است. از سوی دیگر کاهش، دفع و رفع چالش‌ها و تهدیدها جزو اقدامات ضروری هر بازیگر در این نظم است. تبدیل چالش‌ها و تهدیدها به فرصت شکل مطلوب و ایدئالی از چگونگی مواجهه هر بازیگر با نظم جدید است که نیازمند بازیگردانی راهبردی است. در حالی که راهبردپردازی و طراحی راهبردی برای شکل‌دهی و جایابی بهینه در نظم نوین جهانی نیاز هر بازیگر توانمند و در عین حال دور اندیش است. در نتیجه ایران نیز چون هر بازیگر دیگر برخوردار از این ویژگی‌ها، لازم است در این زمینه به راهبردپردازی و طراحی راهبردی بپردازد. به همین منظور در ابتدا تهدیدهای متوجه ایران در نظم نوین جهانی و آنگاه فرصت‌های قابل اتکا برای کشور در چنین نظامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۴. تهدیدهای متوجه ایران در نظم نوین جهانی

وحدت بیشتر در درون ناتو از طریق نزدیکی بیشتر ستون آمریکایی و اروپایی ناتو و نیز افزایش نقش آمریکا در ناتو و اروپا از جمله رویدادهایی است که در نظم جدید می‌تواند به‌عنوان تهدیدی برای ایران به شمار آید. تضعیف اصولی نظیر عدم توسل به

زور، تمامیت ارضی و تغییرناپذیری مرزها بخشی دیگری از این تهدیدها است. خطر به حاشیه رفتن و حتی حذف ایران در معادلات و مناسبات بین‌المللی، خطر حذف جمهوری اسلامی ایران از کریدورهای انرژی و ترانزیت و نیز خطر بیرون ماندن از زنجیره ارزش جهانی و شرق نیز وجود دارد. خطر بیرون و دور ماندن و به حاشیه رفتن ایران در ابتکار کمربند و جاده چین و کاهش ارزش و حذف راهبردی و ژئوپلیتیکی ایران در معادلات بین‌المللی از دیگر تهدیدها محسوب می‌شود.

شکل‌گیری و تسری ناتو به حوزه خلیج‌فارس و شکل‌گیری سیستم بازدارندگی یکپارچه و نیز عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با اعراب و استقرار آن در همسایگی ایران از جمله تهدیدهای منطقه‌ای برای ایران در نظم نوین جهانی است. نقش فزاینده رژیم صهیونیستی در تأمین امنیت کشورهای محافظه‌کار عرب خلیج‌فارس و شکل‌گیری صفت‌بندی و همکاری رژیم صهیونیستی-عربی در غرب آسیا نیز می‌تواند موارد پیشین را تشدید کند.

گسترش روابط اعراب با چین و روسیه به قیمت روابط این دو کشور با ایران و برهم خوردن موازنه روابط چین و روسیه با ایران و اعراب به نفع اعراب از دیگر تهدیدهای پیش‌روی ایران در نظم جدید است. تقویت و توسعه روابط رژیم صهیونیستی با چین، هند و روسیه، امنیتی شدن چندوجهی ایران به‌عنوان بازیگر برهم‌زننده نظم و امنیت جهانی و همچنین تهدید تمامیت سرزمینی ایران با تحریک تجزیه طلبی و تحمیل جنگ خارجی شماری دیگری از این تهدیدها علیه ایران است.

۳-۵. فرصت‌های پیش‌روی ایران در نظم نوین جهانی

افول هژمونی آمریکا و شکل‌گیری نظم بین‌المللی پساغربی که ممکن است به یکی از اشکال دو قطبی، دو بلوکی، دو-چندقطبی، سه قطبی، چندقطبی، چند بلوکی و یا چندمرکزی بروز و ظهور کند را می‌توان به‌عنوان یکی از فرصت‌های پیش‌روی ایران در نظم نوین قلمداد کرد. همچنین افول هژمونی آمریکا در غرب آسیا به‌طور عام و خلیج‌فارس به‌طور خاص به همراه نقش‌آفرینی بیشتر سایر قدرت‌ها از جمله چین، روسیه و حتی اتحادیه اروپا در غرب آسیا و خلیج‌فارس و ارتقای نقش‌آفرینی مناطق و قدرت‌های منطقه‌ای و آزادی عمل آن‌ها در نظام بین‌الملل جزو دیگر فرصت‌ها در این عرصه محسوب می‌شود. تشدید رقابت آمریکا با روسیه و چین و بهره‌برداری ایران در قالب دیپلماسی حذفی (کاشیان و رحیمی، ۱۴۰۱، ص. ۲۱۸) و تضعیف قدرت

اجماع‌سازی و همراه‌سازی روسیه و چین توسط آمریکا علیه ایران نیز از فرصت‌های دیگر در این نظم جدید است. همچنین امکان ارتقای جایگاه و بازیگری ایران از قدرت متوسط یا منطقه‌ای به قدرت بزرگ و برقراری روابط متوازن با قدرت‌های بزرگ از موضع برابر و شراکت راهبردی از دیگر فرصت‌ها در شرایط جدید خواهد بود.

تضعیف ایدئال‌ها، آرمان‌ها و ارزش‌های انحصاری سیاسی (لیبرال دموکراسی) در کنار مقبولیت و مشروعیت یافتن ایدئال‌ها، آرمان‌ها و ارزش‌های متعدد سیاسی در قالب نظام‌های سیاسی غیرلیبرال از جوانب دیگر فرصت‌های پیش‌رو خواهد بود. ارتقای نقش آفرینی بازیگران غیردولتی در نظام بین‌الملل و تقویت گروه‌های اسلام‌گرا در لبنان، فلسطین و یمن جزو دیگر فرصت‌های نظم آتی محسوب می‌گردد.

تقویت نقش بازیگران غیرغربی در نظام بین‌الملل به همراه دلار زدایی از تجارت بین‌الملل به‌ویژه تجارت انرژی و کاهش نقش و تأثیر ابزار تحریم به‌عنوان جنگ افزار در روابط بین‌الملل و نیز افزایش آزادی عمل و نقش آفرینی ایران در نظام بین‌الملل که می‌تواند منجر به خودمختاری راهبردی ایران گردد، جلوه‌های دیگری از فرصت‌هایی است که در نظم نوین بین‌المللی برای ایران ذی‌قیمت محسوب خواهد شد.

۳-۶. راهکار مناسب ایران برای مواجهه با نظم نوین جهانی

اکنون و پس از تبیین شرایط تحولات احتمالی آتی از نظم فعلی به نظم نوین جهانی و نیز بررسی تهدیدها و فرصت‌های پیش‌روی ایران در این نظم جدید، این پرسش کلیدی شکل می‌گیرد که در چنین شرایطی بهترین نحوه مواجهه ایران با نظم مذکور به چه صورت است و ایران چگونه می‌تواند راهکاری اتخاذ کند که در شرایط جدید بتواند از فرصت‌ها بیشترین استفاده و از تهدیدها بیشترین اجتناب را نماید. یافتن و اجرای چنین راهکاری در راستای گام برداشتن به‌سوی آینده مطلوب است که بر اساس آن ایران بتواند آمادگی برای رویارویی با تحولات آتی را به‌گونه‌ای داشته باشد که به بیشینه‌سازی سود و کمینه‌سازی ضرر اقدام نماید.

برخلاف تصویری که ضرورت پیوند استراتژیک ایران با یکی از قدرت‌های بزرگ را مورد تأکید قرار می‌دهد (رکابیان و دلاور، ۱۴۰۱، ص. ۲۴۷)، در روابط بین‌الملل دوست و دشمن دائمی وجود ندارد (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳، ص. ۳۲۶) و این منافع هستند که شکل‌دهنده چگونگی روابط میان بازیگران در هر زمان و مکان می‌باشند. بنابراین

آنچه اهمیت دارد به‌جای جستجوی نافرجام برای یک پیوند عمیق سیاسی، تعریف منافع متقابل کشور در ارتباط با سایر کشورها به‌گونه‌ای است که سطح زیادی از همپوشانی را شامل شود. این موضوع روابط کشور با دایره حداکثری از بازیگران مهم و قدرتمند روابط بین‌الملل و به‌ویژه همسایگان را شامل می‌شود. افزون بر این، بعضاً برقراری پیوند استراتژیک، به معنای ایجاد روابط گرم و صمیمی در سطح سیاسی فرو کاسته می‌شود، در حالی که در دنیایی که دوست و دشمن دائمی وجود ندارد، ایجاد منافع مشترک اقتصادی می‌تواند زمینه مهمی برای ارتقای سطح روابط میان کشورها باشد. ایجاد منافع مشترک امنیتی به‌شرط وجود و شمولیت برای طرفین به‌خصوص در سطح منطقه‌ای از دیگر راهکارها در این زمینه است.

ایران همچنان که برخوردار از منافع در کشورهای شرقی مانند چین است که قدرت آن‌ها در نظم جدید رو به افزایش است، منافعی را ولو به‌طور سلبی در غرب دارد، زیرا آن‌ها نیز جنبه‌های مهمی از قدرتشان حفظ خواهند شد و همچنان قادر خواهند بود با اعمال تحریم علیه کشور در مسیر توسعه ایران ایجاد اختلال کنند. در نتیجه تلاش به‌منظور انجام اقدامات بازدارنده در اعمال و گسترش تحریم‌ها یکی از جوانبی است که باید در دستور کار سیاست خارجی کشور باشد. در سوی دیگر ایران روابطش را با شرق و به‌خصوص با چین باید به‌عنوان کشوری تنظیم نماید که قرار است تبدیل به قدرت برتر و یا یکی از دو قدرت برتر جهان شود. ایران همچنین در مواجهه با قدرتهای نوظهوری همچون هند، برزیل و آفریقای جنوبی نیز می‌تواند از منافع پرشماری برخوردار باشد. جنبه اساسی نوع روابط ایران با همسایگان است که منافع و مسائل مشترک ایران با آن‌ها بیش از هر جای دیگر دنیا است. در نتیجه راهکار ایران و راهبردپردازی و طراحی راهبردی باید به‌گونه‌ای باشد که ایران بتواند برخوردار از شرایطی باشد که بتواند از کلیه فرصت‌ها در شرق، غرب و منطقه استفاده کند. به‌عنوان مثال با توجه به قدرت تکنولوژیک بالا در غرب ایران می‌تواند از مزیت تکنولوژیک کشورهای نظیر آلمان، فرانسه و ژاپن در توسعه و نوسازی صنایع مختلف کشور استفاده کند. از سوی دیگر با توجه به اینکه ایران نسبت به نیات کشورهای غربی مشکوک است، ایران می‌تواند در عرصه‌های امنیتی و نظامی مانند همکاری‌های مشترک امنیتی، اطلاعاتی، داد و ستدهای تسلیحاتی، برگزاری مانورهای نظامی مشترک و مبارزه با تروریسم متمرکز بر روابط با کشورهای شرقی نظیر روسیه و چین شود. کشورهای منطقه نیز یکی از مهم‌ترین عناصر در روابط خارجی هستند و ایران می‌تواند با همکاری آن‌ها در راستای ایجاد بلوک‌های مشترک

اقتصادی و امنیتی تلاش نماید. در نتیجه راهکار و طرح راهبردی مناسب برای ایران در مواجهه با نظم نوین جهانی باید یک طرح تعامل‌گرای تعادل‌گرای چندوجهی با امکان استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌های مختلف در شرق و غرب و به‌ویژه در منطقه خود باشد. اینکه نیاز است تمامی و یا بخشی از راهبردهای پیشنهادی در این مسیر پررنگ‌تر باشد، بستگی به شرایط وقوع و تحقق نظم مزبور دارد، با این وجود نیاز است تمامی ظرفیت‌های لازم بر اساس طرح راهبردی پیشنهادی فعال گردد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در این پژوهش تلاش شد مختصات و ویژگی‌های نظم جهانی در حال شکل‌گیری تبیین شود که از آن جمله افول هژمونی آمریکا، تبدیل چین به یک بازیگر عمده جهانی و اهمیت یافتن مناطق بود و به تغییراتی که در پایه‌های چهارگانه نظم جهانی موجود در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی نیز رخ خواهد داد، اشاره شد. همچنین فرصت‌ها و تهدیدهای نظم جدید برای ایران و نحوه مواجهه ایران با نظم جهانی در حال شکل‌گیری مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به ابعاد گسترده، چندلایه و چندوجهی نظم نوین بین‌المللی، انجام اقدامات به‌موقع و مؤثر در جهت تحصیل راهکار پیشنهاد شده در این پژوهش ضروری است که مشتمل بر توصیه‌های سیاستی سطوح ملی، منطقه‌ای، جهانی برای ایران است. در این راستا، درک و شناخت گفتمان و ماهیت قدرت رایج در نظام بین‌الملل موجود و آینده و نیز ساخت درونی قدرت از طریق تقویت و توسعه قدرت اقتصادی و نرم کشور همپای قدرت نظامی، تقویت مؤلفه‌های ایرانی هویت ملی همپای عناصر اسلامی و انقلابی آن، تولید و تقویت قدرت مردم پایه، تقویت اتحاد و انسجام ملی مبنی بر اجماع‌سازی داخلی، تولید و استفاده حداکثری از قدرت سایبری و فناوری هوش مصنوعی و افزایش نرخ رشد جمعیت و حفظ نیروی انسانی نخبه و ماهر و در نهایت تقویت و تسهیل مشارکت مردمی در ساختار سیاسی و تصمیم‌گیری از جمله مهم‌ترین مواردی است که نیاز است در سطح داخلی با جدیت پیگیری شود. تثبیت، تحکیم، و تقویت قدرت منطقه‌ای ایران از طریق تقویت و توسعه روابط با همسایگان در چهارچوب سیاست همسایگی فعال، ایجاد محور عربستان- ایران- ترکیه و مهندسی نظم خاورمیانه‌ای درون‌زای نوین مبنی بر مشارکت همه کشورها و تهدید زدایی از هویت ایرانی و شیعی و نیز خنثی‌سازی ایران- شیعه‌هراسی جزو ضرورت‌های اقدامات منطقه‌ای محسوب می‌شود. ارتقای ارزش راهبردی و ژئوپلیتیکی ایران در

معادلات بین‌المللی از طریق اقداماتی نظیر مشارکت فعال و فزاینده در زنجیره ارزش جهانی، طراحی تدوین سند دیپلماسی عمومی و تشکیل شورای عالی دیپلماسی عمومی نیز از جمله الزامات مورد نیاز در سطح جهانی است. این مهم همچنین شامل توسعه و تقویت روابط با آفریقا و قدرت‌های نوظهور نظیر هند و برزیل، حضور فعال در سازمان شانگهای و بریکس و تحکیم، توسعه و تقویت روابط با کشورهای اروپای شرقی و مرکزی و بالکان به‌موازات تحکیم روابط با سایر قدرت‌ها و بازیگران مؤثر جهانی است. در نهایت طراحی ساختارها و نهادهای منطقه‌ای اقتصادی، فنی و زیست‌محیطی نیز جنبه‌ای دیگر از این فعالیت‌های لازم برای پیشبرد اهداف کشور در نظم نوین جهانی است.

فهرست منابع

- اخوت، وحید؛ چگنی زاده، غلامعلی (۱۴۰۲). *نظم جهانی از منظر کیسینجر، مطالعه موردی بحران اوکراین*، فصلنامه روابط خارجی، انتشار آنلاین ۳۰ مهر ۱۴۰۲.
- ایکنبری، جی. جان (۱۳۹۰). *آینده نظم جهانی لیبرال، بین‌الملل‌گرایی پس از آمریکا*، (ترجمه داوود پورنظر) فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی ۱۲-۱۳(۱)-۴ (۱۴۱-۱۵۵). (اثر اصلی منتشره ۲۰۱۱)
- ایوانز، گراهام؛ نونام، جفری (۱۳۸۱). *فرهنگ روابط بین‌الملل*، (حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی، ترجمه). تهران: نشر میزان.
- بیلیس، جان؛ اسمیت، استیو (۱۳۸۳). *جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرایندها)*. (ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، ترجمه). جلد اول. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ قربی، سید محمدجواد (۱۴۰۰). *افول قدرت نرم آمریکا: دیدگاه‌ها و زمینه‌ها*. مطالعات راهبردی آمریکا، ۴۱(۴). ۸۸-۶۳.
- دهشیار، حسین (۱۳۸۸). *سیاست خارجی آمریکا، واقع‌گرایی لیبرال*، تهران: خط سوم.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۶). *اصول و مبانی روابط بین‌الملل (۱)*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ چهرآزاد، سعید (۱۴۰۰). *ژئوپلیتیک هوش مصنوعی؛ ره‌نشان نظری رقابت‌های الگوریتمی بازیگران نظام جهانی*. فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک. انتشار آنلاین: ۲۵ دی ۱۴۰۰.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ ذبیحی، رضا (۱۳۹۱). *انقلاب اسلامی ایران و عدم مطلوبیت نظم بین‌المللی موجود*. مطالعات انقلاب اسلامی، ۹(۳۱).
- رکابیان، رشید؛ دلاور، حسین (۱۴۰۱). *وضعیت کنونی نظم بین‌المللی، روندهای آینده و پیامد آن برای جمهوری اسلامی ایران*، مطالعات بین‌المللی، ۷۳(۱۹).
- رنگر، نیکلاس (۱۳۸۶). *روابط بین‌الملل، نظریه سیاسی و مسئله نظم جهانی*. (لیلا سازگار، ترجمه). تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- شریعتی‌نیا، محسن (۱۴۰۱). *تغییر سیستمیک و مشارکت راهبردی ایران و چین*، جستارهای سیاسی معاصر، ۱۳(۳).
- قربانی شیخ‌نشین، ارسلان؛ صبوری، ضیاء‌الدین (۱۳۹۴). *نظام بین‌الملل موجود و نظام بین‌الملل مطلوب*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

- کاشیان، عبدالمحمد؛ رحیمی، سیده ندا (۱۴۰۱). *راهبرد بهینه جمهوری اسلامی ایران در مدیریت مناسبات تجاری با چین در بستر تحلیلی نظریه بازی‌ها*، روابط خارجی، ۱۴(۴).
- کلارک، یان (۱۳۸۳). *جهانی شدن و نظم پس از جنگ سرد*. در جان بیلیس و استیو اسمیت (ویراستاران) *جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین*. (ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، ترجمه). تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- نجفی سیار، رحمان (۱۴۰۲). *نظم بین‌المللی در حال گذار و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه روابط خارجی، انتشار آنلاین ۳۰ دی ۱۴۰۲.
- وثوقی، سعید؛ رستمی، امیرحسین؛ یزدانی، عنایت‌الله (۱۳۹۷). *تأثیر قدرت یابی چین بر روابط و رقابت با آمریکا*. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۸(۴).
- هالستی، کی. جی. (۱۳۷۳). *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*. (بهرام مستقیم‌ی و مسعود طارم سری، ترجمه). تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

References

- Acharya, Amitav. (2014). *The End of American World Order*. Cambridge: Polity Press.
- Ali, H., Mohammadi, M., Masood, Y., & Ali, S. (2021). The Grand Strategy of China Towards Central Asia: An Assessment of Chinese New Regionalism Strategy and its Geopolitical Implications for US in the Post-9/11 Era. *Journal of South Asian Studies*, 9(3), 225-233. <https://doi.org/10.33687/jsas.009.03.3906>
- China Power Team. (March 5, 2024). What Does China Really Spend on its Military? China Power. <https://chinapower.csis.org/military-spending/>
- Cohen, Eliot A. (April 19, 2022). The Return of Statecraft: Back to Basics in the Post-American World. *Foreign Affairs*, <https://www.foreignaffairs.com/articles/world/2022-04-19/return-statecraft>
- Duncombe, Constance & Dunne, Tim. (2018). After liberal world order. *International Affairs*, 94(1), 25-42. <https://doi.org/10.1093/ia/iix234>
- Eaglen, Mackenzie. (August 08, 2023). Setting the Record Straight on Beijing's Actual Military Spending, American Enterprise Institute, <https://www.aei.org/foreign-and-defense-policy/setting-the-record-straight-on-beijings-actual-military-spending/>
- Economic Times. (March 12, 2024). China maintains defence budget growth despite economic travails, <https://economictimes.indiatimes.com/news/defence/china-maintains-defence-budget-growth-despite-economic-travails/articleshow/108418287.cms>
- Goldstein, Joshua S., & Pevehouse, Jon. C. (2008). *International Relations*. 8th Edition. New York: Longman.
- Hall, John A. (1996). *International Orders*. Cambridge: Polity.
- Hulme, M. P., & Gartzke, E. (2021). The Tyranny of Distance: Assessing and Explaining the Apparent Decline in US Military Performance. *International Studies Quarterly*, 65(2), 542-550. <https://doi.org/10.1093/isq/sqaa067>
- Ikenberry, G. John (2018). The End of Liberal International Order?. *International Affairs*. 94(1) 7–23. <https://doi.org/10.1093/ia/iix241>
- Ikenberry, G. J. (2020). *A World Safe for Democracy: Liberal Internationalism and the Crises of Global Order*. Yale University Press.
- IMF. (2024). GDP based on PPP, share of world, International Monetary Fund, <https://www.imf.org/external/datamapper/PPPSH@WEO/EU/CHN/USA?yar=2024>
- Johnson, James. (2021). The End of Military-Techno Pax Americana? Washington's Strategic Responses to Chinese AI-enabled Military Technology. *The Pacific Review*, 34(3), 351-378. <https://doi.org/10.1080/09512748.2019.1676299>
- Kegley, Charles & Blanton, Shannon. (2011). *World Politics: Trend and Transformation*, New York: St. Martin's Press.
- Keohane, R. O., & Nye, J. S. (1987). Power and Interdependence Revisited. *International Organization*, 41(4), 725-753. <https://doi.org/10.1017/S0020818300027661>

- Lawson, G., & Zarakol, A. (2023). Recognizing Injustice: The 'Hypocrisy Charge' and the Future of the Liberal International Order. *International Affairs*, 99(1), 201-217. <https://doi.org/10.1093/ia/iac258>
- Layne, Christopher (2006) The Unipolar Illusion Revisited. *International Security* 31(2), 7–41. <https://www.jstor.org/stable/4137515>
- Layne, Christopher (2012) This Time It's Real: The End of Unipolarity and the Pax Americana. *International Studies Quarterly*, 56(1), 203-213. <https://www.jstor.org/stable/41409832>
- Lind, Jennifer & Wohlforth, William C. (February 12, 2019). The Future of the Liberal Order Is Conservative. *Foreign Affairs*, <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2019-02-12/future-liberal-order-conservative>
- Marchetti, Raffaele. (2018). Post-Western World Orders, In Peter W. Schulze (Ed.) *Multipolarity: The Promise of Disharmony*, Frankfurt: Campus Verlag.
- Morgenthau, Hans J. (1973). *Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace*. New York: Knopf.
- Norton, Ben. (April 21, 2023). 'Dollar Suffered Stunning Collapse in 2022': Share of Global Reserves Fell to 47%, Decreasing at 10 Times Rate, *Geopolitical Economy*, <https://geopoliticaleconomy.com/2023/04/21/dollar-stunning-collapse-global-reserves/>
- Nuruzzaman, M. (2020). Why BRICS Is No Threat to the Post-War Liberal World Order. *International Studies*, 57(1), 51-66. <https://doi.org/10.1177/0020881719884449>
- Onge, Peter St. (June 27, 2023). 'Woke' Sanctions and Countries Abandoning the Dollar Will Ruin the World, Not Just U.S., *The Washington Times*, <https://www.washingtontimes.com/news/2023/jun/27/woke-sanctions-and-countries-abandoning-dollar-wil/>
- Owen IV, J. M. (2020). Sino-Russian Cooperation Against Liberal Hegemony. *International Politics*, 57(5), 809-833. <https://doi.org/10.1057/s41311-020-00213-z>
- Parmar, Inderjeet (2018). The US-led Liberal Order: Imperialism by Another Name?. *International Affairs*, 94(1), 151-172. <https://doi.org/10.1093/ia/iix240>
- Peou, S. (2021). Toward a Global Human Security Governance?: Progress, Problems, and Prospects. *Hiroshima Peace Research Journal*, 8, 71-90.
- Plummer, Michael G. (21 August 2023). Is the US Dollar on Its Way Out?, *East Asia Forum*, <https://doi.org/10.59425/eabc.1692658811>
- Rapanyane, M. B. (2020). The New World [dis] Order in the Complexity of Multi-Polarity: United States of America's Hegemonic Decline and the Configuration of New Power Patterns. *Journal of public affairs*, 21(1), e2114, <https://doi.org/10.1002/pa.2114>
- Robertson, Peter & Beaver, Wilson. (September 19, 2023). China's Defense Budget Is Much Bigger Than It Looks, *Foreign Policy*, <https://foreignpolicy.com/2023/09/19/china-defense-budget-military-weapons-purchasing-power/>

- Ruggie, John Gerard (1986). Continuity and Transformation in the World Polity: Toward a Neorealist Synthesis. In Keohane, Robert O. (ed.). Neorealism and Its Critics. Columbia University Press.
- Sørensen, Georg. (2006). What Kind of World Order? The International System in the New Millennium. *Cooperation and Conflict*, 41(4), 343-363. <https://www.jstor.org/stable/45084468>
- Speck, Ulrich. (September 12, 2016). The Crisis of Liberal Order. *The American Interest*, <https://www.the-american-interest.com/2016/09/12/the-crisis-of-liberal-order/>
- Steinberg, R. H. (2022) The Rise and Decline of a Liberal International Order. In David L. Sloss, (Ed.). *Is the International Legal Order Unraveling*, Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780197652800.003.0002>
- Stuenkel, Oliver. (2016). *Post-Western World: How Emerging Powers Are Remaking Global Order*. Cambridge, UK: Polity.
- Tierney, Dominic (2018). Accidental Primacy: Balancing and the Path to Power. *International Relations*, 32(2), 127-148. <https://doi.org/10.1177/00471178187635>
- Wallerstein, Immanuel (2003). *The Decline of American Power: The US in a Chaotic World*. The New Press.
- Walt, Stephen M. (June 26, 2016). The Collapse of the Liberal World Order. *Foreign Policy*, <https://foreignpolicy.com/2016/06/26/the-collapse-of-the-liberal-world-order-european-union-brexit-donald-trump/>
- Walt, Stephen M. (April 16, 2019). The End of Hubris and the New Age of American Restraint. *Foreign Affairs*, <https://www.foreignaffairs.com/united-states/end-hubris>
- Waltz, Kenneth N. (1979). *Theory of International Politics*. Reading, MA: Addison-Wesley Pub. Co.
- Wang, Y. (2020). New Regionalism Reshaping the Future of Globalization. *China Quarterly of International Strategic Studies*, 6(02), 249-265. <https://doi.org/10.1142/S2377740020500116>
- Wendt, A. (1999). *Social Theory of International Politics*. Cambridge University Press.
- Wu, Huizhong & Bodeen, Christopher. (March 5, 2024). China Raises Defense Budget by 7.2% as it Pushes for Global Heft and Regional Tensions Continue, AP, <https://apnews.com/article/china-legislature-defense-budget-taiwan-us-9e751a41c9a1ffe8c0cf9775797750e3>
- Xuotong, Yan. (2018). Chinese Values vs. Liberalism: What Ideology will Shape the International Normative Order?. *The Chinese Journal of International Politics*, 11(1), 1-22, <https://doi.org/10.1093/cjip/poy001>